### ادامه شرط دوم: تنجز تکلیف

در شرط دوم از شرایط مأمور و منهی «تنجز تکلیف» با اختلاف اجتهادی بحث می­شد.

وقتی سروکار مجتهد با مجتهد دیگر باشد که واجبی را ترک یا محرمی را مرتکب می­شود که از دید مرتکب معصیت نیست اما از دیدگاه آمر و ناهی معصیت است. از نگاه آمر و ناهی اجتهادش خطا است اما از دیدگاه مأمور و منهی چنین نیست. در این صورت اطلاقات ارشاد و امرونهی شامل می­شود.

اما عمده مسئله در صورتی است که اجتهاد را طی نموده باشد و مقصر نباشد بلکه قاصر و معذور باشد. لذا این اجتهادِ اشتباه، مبنای عمل اشتباه شده است؛ آیا باید امربه‌معروف و نهی از منکر نماید؟ این اجتهاد که بر روال عادی باشد و موجب ترک واجبی باشد، آیا اطلاقات شامل می­شود و امربه‌معروف و نهی از منکر لازم است؟ وجهی برای لزوم امربه‌معروف و نهی از منکر اطلاقات است.

#### وجوه عدم شمول اطلاقات

وجه عدم شمول اطلاقات این است که:

1 ـ این مورد مصداقاً منکر نیست؛ زیرا مستند به اجتهاد فرد است. در مثال نماز جمعه، ترک نماز جمعه، مصداق ترک معروف نیست؛ زیرا معذوریت، در معروف و منکر اثر دارد.

**بررسی**: قائل شدن به این وجه، مشکل است؛ زیرا ازنظر او که واقع را می‌بیند، در این وجه ممکن است که بین حالات آمر و ناهی تفصیل قائل شویم. اگر آمر و ناهی علم قطعی دارد، شاید امربه‌معروف و نهی از منکر لازم باشد؛ زیرا معروف و منکر هست؛ اما اگر علم قطعی نداشته باشد، معروف و منکر نیست؛ و درنتیجه محل امربه‌معروف و نهی از منکر نیست.

2 ـ ادله ارشاد جاهل، مربوط به جاهل است؛ یا مربوط به کسی است که راه را اشتباه رفته باشد؛ لذا این مورد شامل نمی­شود.

3 ـ ادله معذوریت و اینکه مجتهد در عمل خود، به رأیی که موافق با دیدگاه دیگری نباشد، عمل نماید؛ و این ادله معذوریت، ناظر و حاکم بر ادله ارشاد جاهل و امربه‌معروف و نهی از منکر است.

درمجموع، انصراف وجه درست است. علی‌الاصول در تبادرات عرفی نمی­آید که مجتهدی که روال عادی را طی نموده باشد، اطلاقات امربه‌معروف و نهی از منکر شامل آن شود.

#### موارد استثناء

1 ـ امرونهی مجتهد دیگر لازم نیست، مگر اینکه موضوع، از موضوعات خیلی مهم باشد که موجب هتک شریعت شود. ممکن است امربه‌معروف و نهی از منکر در این صورت لازم باشد.

2 ـ اگر شاذ و نادر باشد و حرف جدید زدن نیز ممکن باشد؛ امرونهی را لازم بدانیم؛ اما در حالات طبیعی و اینکه مثلاً فردی برای جبران خطایش کفاره بدهد یا ندهد و به‌خصوص اگر مسئله اختلافی باشد، انصراف قوی است.

3 ـ اگر فردی از دید خودش گناه کند و از دیدگاه شخص بیرونی معصیت نباشد، در این صورت امربه‌معروف و نهی از منکر لازم نیست؛ زیرا از دید آمر و ناهی، ترک معروف و انجام منکر نشده است.

البته اگر کسی قائل به حرمت تجری باشد، باید نهی از تجری نماید؛ و یا اگر توبه را واجب دانستیم، فرد را وادار به توبه نماید.

نکته دیگر، بحث بدعت است که بعداً مطرح می­کنیم.

### شرط سوم: اصرار بر معصیت

اصرار بر معصیت، شرط وجوب امربه‌معروف و نهی از منکر دانسته شده است. در کتاب شرایع و قبل از آن، این شرط مطرح بوده است. در مورد این شرط، روایت و دلیل نقلی نداریم؛ بلکه شرط، شرط اجتهادی است.

**سیر تحول شرط سوم**

در بیان این شرط، شاهد تغییراتی در چگونگی تبیین آن هستیم:

طرح عنوان «اصرار» و اینکه ترک نماز یا شُرب شراب انجام‌شده و عمل و زمان آن تمام‌شده باشد، نسبت به آینده در صورتی نهی و امر لازم است که قصد اصرار و تکرار داشته باشد و اگر قصد تکرار نداشته باشد نه‌تنها امربه‌معروف و نهی از منکر لازم نیست بلکه گاهی حرام نیز می‌باشد.

اصرار گاه حالت تکرار دارد (مانند ترک نمازهای متعدد و شرب‌های متعدد) و گاهی تکرار نیست بلکه استمرار است مثلاً چیزی را غصب نموده و آن را استمرار می­دهد. اصرار بر معصیت هر دو مورد را شامل می­شود. پس عنوان اصرار بر معصیت، اعم از تکرار و استمرار است.

برخی بر این باورند که ملاک امربه‌معروف و نهی از منکر قصد گناه است نه تکرار یا استمرار؛ و لو اینکه تابه‌حال تکرار ننموده باشد، شرط فقط اصرار بر تکرار یا استمرار نیست بلکه جامع همه این‌ها، قصد گناه است. موضوع امربه‌معروف و نهی از منکر آن است که اگر فردی در آستانه وقوع گناه باشد، باید جلوگیری نمود، نخستین بار یا دومین بار یا در تداوم گناه و ... باشد یا نباشد، فرق نمی­کند.

عده‌ای بر این باورند که قصد موضوعیت ندارد؛ نه قصد تکرار، نه قصد استمرار و نه قصد صدور معصیت بلکه موضوع امربه‌معروف و نهی از منکر، «وقوع عمل» است لذا اگر در شُرف انجام عمل باشد، امربه‌معروف و نهی از منکر واجب است. حتی اگر قبل از انجام گناه قصد نداشته و فقط در آغاز انجام گناه، قصد می­کند، باید امرونهی نمود. حتی حالتی که قبل از انجام غافل بوده است، باید امربه‌معروف و نهی از منکر نمود.

البته بحث احراز لازم است و یا صِرف احتمال کافی است، در اینکه فرد گناه می­کند، بحث جداگانه­ای است، فعلاً شما صورت احراز (قدر متیقن) در نظر بگیرید.[[1]](#footnote-1) شرط اصلی احراز وقوع فعل است. در صورت عدم قصد یا عدم وقوع فعل، موضوع برای امربه‌معروف و نهی از منکر وجود ندارد؛ این شرط، شرط محقِّق موضوع است.

بحث جلسه آینده

در این مورد مداقه بیشتر خواهیم داشت. چه چیزی شرط است؟ قصد یا وقوع، قصد تکرار یا استمرار و ... جای بحث دارد.

1. **- رک: فقه امر به معروف و نهی از منکر** [↑](#footnote-ref-1)